

آشنایی با ویژگیهای دانش آموزان

نخستین گام در فرایند تعلیم و تربیت

دکتر غلامعلی افروز



بدینی و سوءظن احتمالی نسبت به مدرسه ، کلاس و معلم و سرانجام آشنایی با خصیصه های شخصی ، بازخوردها و دیدگاههای بچه ها نسبت به وضع موجود و شرایط مطلوب ، می تواند در روزهای آغازین مدرسه صورت پذیرد . روزهای اول مدرسه از نظر سازگاری فردی و اجتماعی ، بخصوص برای نو آموزان

روزهای اول مدرسه از جهات مختلف ، دارای اهمیت و ارزشمندی خاصی است . ایجاد نگرشهای مثبت و پویا در دانش آموزان ، تقویت انگیزه تلاش و تحصیل ، کاهش دغدغه ، اضطراب و تردید ، زدودن آثار هرگونه نگرانی ،

شده که ایشان نیاز مبرم به عینک یا سمعک دارند. در واقع افت تحصیلی یا مشکلات رفتاری این قبیل کودکان عمدتاً به دلیل ضعف بینایی و یا شنوایی مکتون بوده است و نه ناتوانی ذهنی و مشکلات عاطفی. لذا ضروری است به رغم ظاهر سالم چشمها و دستگاه شنوایی کودکان، حداقل قبل از ورود به مدرسه و شروع آموزش رسمی، اولیاء و مربیان از سلامت بینایی و شنوایی کودکان که در فرایند آموزش مؤثرترین کانالهای ارتباطی هستند، اطمینان کامل حاصل کنند. بچه‌هایی که ضعف بینایی دارند و یا گوششان سنگین است، همواره خود نسبت به چگونگی و میزان دید و شنوایی‌شان آگاه نیستند، و بعضاً به دلایل مختلف مانند بلندی قد و یا کمرویی و خجالت ممکن است نتوانند در ردیفهای اول کلاس جایگزین شوند تا بهتر ببینند و بهتر بشنوند. لذا چنانچه معلم کلاس نسبت به این حقیقت مهم بی تفاوت و یا کم توجه باشد، روز بروز بر مشکلات این قبیل کودکان اضافه می‌شود.

علاوه بر اطلاع معلم از قدرت بینایی و شنوایی^۳ شاگردان، باید توجه داشت که بسیاری از بیماریها و اختلالات جسمی - حرکتی نیز می‌تواند مانع جدی در امر تعلیم و تربیت مطلوب کودکان و نوجوانان باشد. در این ارتباط توجه به بیماریها و نارساییهای همچون بیماری قلبی، اختلال تنفس، آسم، ضعف عضلانی، فلج مغزی، اختلال حرکتی و صرع^۴ از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است.

در زمینهٔ ویژگیها و تواناییهای ذهنی نیز لازم است همواره اولیاء و مربیان به چند نکتهٔ مهم توجه داشته باشند. اول اینکه کودکان و نوجوانان از نظر ظرفیت هوشی باهم متفاوت هستند و اساساً "هوش" حاصلی است از وراثت

کلاس اول ایامی پربها و پربرکت است.

از نظر روان شناسی تربیتی یکی از مهمترین ارکان یادگیری، توجه به ویژگیهای یادگیرنده یا مرتبی است. بدون تردید چگونگی ویژگیهای زیستی، ذهنی، عاطفی و روانی کودکان و نوجوانان در تکوین شخصیت، قدرت یادگیری و پیشرفت تحصیلی آنان بیشترین تأثیر را دارد. بنابراین از مهمترین مسؤلیتها و رسالتهای خطیر اولیاء و مربیان، توجه به این ویژگیها و تفاوتهای فردی است. همهٔ کودکان و بزرگسالان از نظر توان جسمی و حرکتی، ظرفیت ذهنی، انگیزش و برانگیختگی روانی و سازش یافتگی عاطفی و رفتاری باهم متفاوتند. یک مربی بصیر همزمان با برقراری ارتباط با متربیان و قبل از ارائهٔ هرگونه برنامهٔ آموزشی و تربیتی، با انجام یک ارزیابی جامع و مقدماتی پیرامون ویژگیهای عمومی مخاطبان خود، اطلاعات متنوعی را به دست می‌آورد؛ اطلاعاتی که برای مربی کاملاً ضروری و حیاتی است و اساس تنظیم برنامه‌ها و نحوهٔ ارتباط با متربیان و اولیای ایشان خواهد بود.

مربی متعهد و آگاه پس از کسب اطمینان کامل از سلامت عمومی^۱ شاگردان در اولین گام با اجرای آزمونهای سادهٔ سنجش بینایی و شنوایی^۲، از میزان و دقت بینایی و شنوایی شاگردان اطلاعات لازم را کسب خواهد کرد. همواره درصد قابل توجهی از مشکلات تحصیلی و رفتاری بچه‌ها مربوط به نارسایی بینایی و یا شنوایی پنهان آنهاست. بارها و بارها مربیان و کارشناسان سنجش با کودکانی مواجه شده‌اند که به دلیل افت تحصیلی یا مشکلات رفتاری، حضورشان در مدرسه سبب نگرانی اولیای آموزشگاه بوده است، درحالی که پس از یک ارزیابی اولیهٔ بینایی و شنوایی مشخص



و محیط . پایین‌تر از میانگین هستند (۷۰ و کمتر) ،

عقب مانده ذهنی محسوب می‌کنیم . بدیهی است درصد قابل توجهی از دانش‌آموزان از نظر هوشی پایین‌تر از میانگین بوده (میانگین ۱۰۰) ، بالاتر از مرز عقب‌ماندگی به معنای دقیق آن (۷۰) هستند . این قبیل کودکان که حدود ۱۳ درصد از جمعیت دانش‌آموزان را تشکیل می‌دهند، عموماً دیرآموز و مرزی نامیده شده، اغلب در مدارس عادی حضور دارند و نیازمند توجه خاص معلمان و مشاوران مجرب هستند . از جمله ویژگیهای دانش‌آموزان دیرآموز و مرزی این است که آنها دیر می‌آموزند و زود فراموش می‌کنند و از دامنه توجه محدودتری برخوردارند . مشکل اصلی کودکان دیرآموز در سالهای اول مدرسه عمدتاً در زمینه خواندن است . انگیزه تلاش در این کودکان فوق‌العاده اندک است و دراین ارتباط یکی از دشوارترین و درعین حال مهمترین وظایف مربیان متعهد و دلسوز جلب توجه و ایجاد انگیزه تلاش در این گروه از

وقتی از ارث یا وراثت صحبت می‌کنیم ، منظورمان مجموعه ویژگیها و خصیصه‌های غیر اکتسابی است که از اجداد گذشته به توسط پدر و مادر و از طریق ژنها به فرزند منتقل می‌شود . بعد از انعقاد نطفه ، نقش ارث و عوامل ژنتیکی تمام شده ، نطفه متعقد شده در شرایط محیطی (محیط داخلی) قرار می‌گیرد . لذا بهره هوشی افراد نتیجه‌ای است از چگونگی انتقال و ترکیب ژنها (وراثت) و شرایط محیطی (دوران بارداری ، تولد و محیط خانه و اجتماع) .

بنابراین کودکان با ظرفیت هوشی متفاوت به دنیا آمده، در شرایط محیطی مختلف بهره هوشی خود را می‌یابند . به همین دلیل است که همواره درصدی از کودکان (حدود ۲ درصد) را که از نظر بهره هوشی بطور معنی دار بالاتر از میانگین هستند (۱۳۰ به بالا) تیز هوش تلقی کرده ، به عکس درصد دیگری از کودکان را (حدود ۲ درصد) که در طرف دیگر منحنی قرار می‌گیرند و از نظر هوشی بطور قابل ملاحظه‌ای

قابل قبول تحصیلی، دریک یا دو موضوع خاص درسی تجدید می شوند، به احتمال قوی از گروه دانش آموزان مبتلابه اختلال خاص در یادگیری هستند. در هر حال این گروه از دانش آموزان می بایست در اولین فرصت مورد شناسایی دقیق معلم قرار گرفته، تدابیر ترمیمی لازم با نظر مشاوران متخصص اتخاذ شود.

مسئله دیگری که می بایست مریبان محترم به آن توجه خاص مبذول دارند، میزان و چگونگی کنجکاوی ذهنی، قدرت تفکر و اگر و خلایق فکری دانش آموزان است. بعضی از کودکان و نوجوانان به لحاظ برخورداری از شرایط تربیتی مطلوب و استفاده از فرصت های مناسب برای پرورش حس کنجکاوی ممکن است سؤالات متنوعی را مطرح کنند و بعضاً برای حل مسائل ارائه شده از تفکر و اگر بهره گرفته، به گونه ای خلایق های فکری و نوآوری های خودشان را نشان دهند. در این

دانش آموزان است. در هر حال آنچه که برای یک معلم متعهد می بایست مهم باشد، میزان تلاش فردی دانش آموزان است و نه صرف حاصل کار آنها. به دیگر سخن یک معلم فهیم از اندیشه فرد نگری برخوردار است و نه نمره نگری. گروه دیگری از دانش آموزان که اکثراً در کلاسهای مدارس عادی حضور دارند و شناسایی آنها بسیار مهم و ضروری است، آنهایی هستند که اگرچه از نظر قدرت بینایی و شنوایی مشکلی نداشته، از جهت هوشی در سطح متوسط و یا بالاتر از متوسط قرار دارند، اما دریک یا چند زمینه از مواد آموزشی نظیر "خواندن"، "نوشتن"، "حساب کردن" و... بایک اختلال جدی مواجه هستند. اصطلاحاً به این قبیل کودکان، دانش آموزان مبتلابه اختلال خاص در یادگیری^۵ می گویند. بسیاری از دانش آموزانی که به رغم برخورداری از هوش متوسط و یا بالاتر از متوسط و میانگین نمرات



هرکدام به شیوه خاصی که گاه ممکن است نامطلوب هم باشد، سعی می کنند توجه معلم را به خود جلب نمایند. پس چه بهتر که معلم با در نظر گرفتن چنین ویژگی برجسته‌ای، همه هم توجه خود را در برقراری یک ارتباط عادلانه، مفید، مؤثر و متقابل با یکایک شاگردان مبذول دارد.

ظرفیت عاطفی بچه‌های کلاس نیز با هم متفاوت است. بچه‌هایی که تجارب متعددی از تحقیر و تنبیه در خانه دارند، ممکن است در برابر تهدید، بی توجهی و قهر معلم چندان ناراحت نشده، واکنش خاصی از خود نشان ندهند و حتی بعضاً ممکن است در مقایسه با تحقیر و تنبیهی که از پدر و مادر خود در خاطر دارند، تهدید و سرزنش و دعوی معلم برایشان گوارا باشد. در عوض، کودکان دیگری نیز در کلاس حضور دارند که با تجارب خوشایندی از تربیت صحیح و بدور از خاطرات نامطلوب تحقیر، سرزنش و تنبیه، هرگز بی توجهی و یا خدای ناکرده داد و فریاد و قهر معلم را تحمل نمی کنند، چرا که اینان هرگز چنین انتظاری از معلم خود ندارند.

بنابراین معلم دلسوز کلاس باید با دقت و عنایت خاصی ظرفیت عاطفی مخاطبان خود را مورد توجه قرار دهد، زیرا آنچه که برای بچه‌ها از هر خانواده و تبار اقتصادی - اجتماعی که باشند مهم است، همانا نیازشان به مهر و توجه معلم است.

وقتی که بچه‌ها با افکار، انتظارات و نگرشهای متفاوت و انگیزه‌های تحصیلی گوناگون نسبت به ثبات شخصیتی معلم امیدوار شده، به تعهد و شایستگی و حسن تدبیر او اطمینان حاصل کردند و شخصیت او را آمیزه‌ای از مهر و عطوفت و منطق و استواری یافتند، به

شرایط لازم است مریبان ارجمند بهای ویژه‌ای برای این گونه فعالیت‌های ذهنی قائل شوند.

توجه به قدرت سازگاری اجتماعی و مهارت‌های کلامی و غیر کلامی دانش آموزان نیز از اهمیت فوق العاده‌ای برخوردار است.

بعضی از دانش آموزان به دلایل عدیده از جمله نظام تربیتی حاکم بر خانواده و داشتن کمروبی قابل ملاحظه، از اعتماد به نفس لازم و احساس خود ارزشمندی برخوردار نیستند و فرصت و جرأت به نمایش گذاردن مهارت‌های بالقوه خود را نمی یابند. در این گونه موارد معلم باید تلاش کند با تشویق و ترغیب این قبیل دانش آموزان با تکیه بر نقاط قوت و تواناییهای آنها، اضطراب ایشان را کاهش داده، مهارت‌های اجتماعی شان را تقویت نماید. بچه‌های کمرو عمدتاً گرایش به انزوا، تنهایی و کم حرفی دارند. کمروبی به عنوان یک معلولیت اجتماعی همانند ابر تیره‌ای هوشمندی بالقوه افراد را نهفته نگه می دارد.

باید توجه داشت که کمروبی هرگز با حیا و عفت یکی نیست. حیا امری است غیر ارادی. حیا صفتی است ارزشمند و کمروبی رفتاری است نابهنجار و نامطلوب.

بچه‌هایی که تنها فرزند خانواده هستند آمادگی و انتظار بیشتری برای ارتباط با معلم دارند. معلمان ارجمند باید توجه داشته باشند که عمدتاً همه دانش آموزان در تمامی مقاطع تحصیلی نیازمند توجه، تشویق و ترغیب معلمان خود هستند، اما دانش آموزان دبستانی بخصوص کلاس اولی‌ها و بویژه آن دسته از کلاس اولی‌ها که تنها فرزند خانواده هستند، به طور چشمگیری بیش از دیگران به توجه و محبت بزرگسالانی همچون معلم نیاز دارند. بعضاً دیده می شود که بچه‌های کلاس اول

که از وضع بینایی شاگردانش اطلاعات مفیدی به دست آورد. بدبهبی است زمانی که مربی بامورد یا مواردی مواجه شود که به طور قابل ملاحظه‌ای دچار مشکلات بینایی هستند، ایشان را به مراکز چشم پزشکی معرفی می‌کند. مربی همچنین با انجام گفت و گوی ساده و انفرادی و پرسیدن سؤالات متنوع از هردانش آموز، به گونه‌ای که صورت او به طرف دیوار قرار داشته باشد، تا حدود زیادی از قدرت شنوایی بچه‌ها اطمینان حاصل می‌کند و آن دسته از کودکان را که احتمالاً با مشکل شنوایی مواجه هستند به مراکز سنجش شنوایی و گوش پزشکی ارجاع می‌دهند.

۳- پرواضح است که کسب اطلاع و اطمینان از سلامت عمومی کودکان و قدرت بینایی و شنوایی آنها از مسؤولیتهای اولیه پدران و مادران بوده، در رتبه بعد از وظایف مشترک اولیاء و مربیان محسوب می‌شود.

۴- مطابق بررسیهای بین المللی، حداقل حدود یک درصد از جمعیت هرکشور به انواع مختلف صرع مبتلا هستند. عده قابل توجهی از دانش-آموزان مدارس نیز به انواع گوناگون صرع، بویژه "صرع غیاب" (افراد مبتلا به آن برای لحظاتی هوشیاری خودشان را از دست می‌دهند) دچارند؛ اما متأسفانه در غالب موارد اولیای مدرسه هیچ گونه اطلاعی از افراد مصروع و یا احتمال ابتلای بعضی از دانش‌آموزان به صرع ندارند. بارها مشاهده شده است که دانش‌آموزان مصروع در کلاس و حیاط مدرسه دچار صرع شده، بعضاً حوادثی را ایجاد کرده‌اند.

5 - LEARNING DISABLE CHILDREN



وی اعتماد می‌کنند و به رهبری اش ایمان می‌آورند.

و آنگاه که بچه‌ها معلم خود را شخصیتی محبوب و مطلوب می‌یابند، عمیقاً در رفتار او کنجکاو شده، با او همانند سازی می‌کنند. در چنین شرایطی است که دانش‌آموزان ضمن اینکه موضوعات درسی را زودتر یاد گرفته، دیرتر فراموش می‌کنند، از فرصت بهتری برای رشد و شکوفایی شخصیت خود برخوردار می‌شوند.

پاورقیها:

۱- اطمینان یافتن از سلامت عمومی شاگردان فوق العاده حائز اهمیت است. مربی لازم است از عدم ابتلای کودکان به بیماریهای مزمن و مسری، ناراحتی قلبی، ناراحتی عضلانی، صرع، فلج مغزی و اختلال بینایی و شنوایی دانش‌آموزان اطمینان حاصل کند.

۲- سنجش بینایی کودکان با چارت ساده E در روز اول کلاس به معلم این فرصت را می‌دهد